

به نام خدا

آئین سخیرانی

دیل کارنگی

ریحانه جعفری - پروین قائمی



نشر پیمان

پیشگفتار

دیل کارنگی اولین دوره تدریس سخنرانی را در سال ۱۹۱۲ در مدرسه YMCA در خیابان بیست و پنجم نیویورک شروع کرد. آن روزها همه فکر می‌کردند خطیب خوب بودن، یک جور هنر است و هیچ کس به آن به شکل کسب یک مهارت نگاه نمی‌کرد و اگر کسی می‌خواست فن بیان درس بدهد بیشتر به حنجره‌های طلایی و صداهای آسمانی می‌اندیشید. مردم عادی و شاغل و تجار و کارمندان دلشان نمی‌خواست پول و وقتشان را صرف مکانیسم‌های تغییر و تولید صدا و قوانین زبان‌شناسی و یادگیری ژست‌های کلیشه‌ای بکنند. آنها فقط می‌خواستند یاد بگیرند که در ارتباط‌های روزمره خود چگونه با اعتماد به نفس و آرامش بیشتری سخن بگویند. کلاسهای دیل کارنگی بلافاصله پس از شروع موفقیت عظیمی کسب کردند زیرا به این افراد همانی را می‌دادند که آنها می‌خواستند. برخورد دیل با صحبت کردن و سخنرانی در میان جمع، برخورد با هنری که استعداد و توان خاصی می‌خواهد نبود، بلکه به آن به صورت مهارتی نگاه می‌کرد که هر انسان هوشمندی در صورتی که دلش می‌خواست می‌توانست آن را کسب کند.

امروزه کلاسهای دیل کارنگی در سرتاسر جهان تشکیل می‌شوند و ارزش و اعتبار نظریات او را هزاران زن و مرد، از گروه‌های سنی مختلف و شغل‌های گوناگون تجربه کرده‌اند. آنها می‌دانند که با استفاده از شیوه‌های او توانسته‌اند به شکل مؤثری نحوه بیان خود را اصلاح کنند و بر دیگران تأثیرات شگفتی بگذارند.

کتاب آئین سخنرانی که دیل کارنگی ابتدا آن را برای تدریس در

کلاسهایش نوشت، بیش از پنجاه بار چاپ و به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده است. او هر بار که کتابش می‌خواست تجدید چاپ شود، یک بار دیگر آن را مرور می‌کرد، تا آموخته‌ها و تجارب جدید خود را در آن بیان کند. تعداد افرادی که این کتاب را می‌خواندند، همه ساله بیش از کل افرادی بود که در دوره‌های مشابهی در بزرگترین دانشگاه‌ها ثبت نام می‌کردند.

کتاب حاضر را براساس یادداشت‌ها و نظرات شوهرم بازنگری کرده‌ام. عنوان کتاب همان است که او قبل از مرگش برای آن برگزید. سعی کرده‌ام در مرور مجدد بر کتاب، فلسفه اصلی او را که می‌گفت «سخن گفتن چیزی بیش از بیان یک سری کلمات است» پیوسته در ذهن نگاه دارم. او اعتقاد داشت آدمی از طریق سخن گفتن، شخصیت انسانی خود را به نمایش می‌گذارد.

همه فعالیت‌های ما در زندگی، شکلی از ارتباط هستند، ولی تنها از طریق سخن گفتن است که انسان به شیوه خاصی از ارتباط دست پیدا می‌کند و با دیگر موجودات تفاوت دارد. تنها اوست که به زیور نطق آراسته است و از طریق همین توانایی است که می‌تواند به بهترین شکل جوهره وجود خود و فردیت و شخصیتش را بروز دهد. هنگامی که انسان چه به دلیل عصبی بودن، چه کمرویی و چه ابهام در تفکر نتواند مقصود خود را واضح بیان کند، شخصیتش ناشناخته، گنگ و پر از سوء تفاهم ارزیابی می‌شود.

رضایت شغلی، اجتماعی و شخصی تا حد زیادی به توانایی فرد برای ایجاد ارتباط واضح و بی‌شبهه با همکاران و هموطنانش بستگی دارد، تا از این طریق بتواند آرزوها و اعتقادات خود را بیان کند. اینک جو فشار، ترس و ناامنی بر همه دنیا سایه افکنده است و ما بیش از هر زمان